مروری بر کارکردهای گوناگون مناسک حج

سید رضا صالحی

چکيده

پرستش و تقدس از ديرباز در ميان اقوام مختلف وجود داشته و مناسک، جايگاه ويژه‌اي در بين اديان و مذاهب، به خود اختصاص داده است. دين اسلام نيز در اين خصوص مستثني نيست و به‌جا آوردنِ مناسک، زيارت قبور، توسّل جستن و شفاعت خواستن از خداوند و ائمه و پيامبران، از مهمترين امور ديني قلمداد مي‌گردند. از مهم‌ترينِ اين مناسک مي‌توان به حج اشاره کرد. حج، آميزه‌اي از کنش‌هاي فيزيکي انسان‌ها در جغرافياي کعبه است که به قصد قربت به پروردگار جهانيان انجام مي‌گيرد. در اين نوشتار مروري بر انواع کارکردهاي اجتماعي، فرهنگي، سياسي و مذهبيِ حج صورت مي‌پذيرد و در آخر، فهرستي از کارکردهاي مختلف حج و نمودهاي آن ارائه مي‌شود.

گفتني است اين پژوهش، توصيفي و از نوع کتابخانه‌اي است و با کندوکاو منابع مختلف، در صدد تبيين کارکردهاي حج است.

کليدواژه‌ها: حج، کارکرد سياسي، کارکرد فرهنگي، کارکرد اجتماعي.

مقدمه

مذهب و معنويت تأثير شاياني در سياست، رسانه‌ها و گفتمان هر روزة بسياري از افراد در کشورهاي مختلف جهان دارد. در دنياي سياست، هنوز هم شاهد آن هستيم که بسياري از کانديداهاي سياسي بر تأثير مذهب در زندگي آن‌ها و نيز آثار مذهب بر رويکرد آ‌ن‌ها در ادارة امور سخن مي‌گويند. شواهد بسياري از حضور اين کانديداها در نمازهاي جماعت، مراسم مذهبي مدارس و غيره وجود دارد. سياستمداران بارها به نقش کليدي نهادها و ايمان مذهبي در درمان بيماري‌هاي اجتماعي؛ مانند اعتياد اشاره کرده‌اند.

پرستش و تقدّس نيز از ديرباز در ميان اقوام مختلف وجود داشته و عبادت، جايگاه ويژه‌اي در بين اديان و مذاهب به خود اختصاص داده است. دين اسلام نيز در اين خصوص مستثني نبوده و در اين بين زيارت قبور، توسل نمودن و شفاعت خواستن از اهم امور ديني تلقي مي‌گردد. مزارات و زيارتگاه‌ها با پذيرفتن شمار عظيمي از علاقه‌مندان و مريدان، تأثيرات بسياري را در زندگي مردم مسلمان گذاشته و تحولات سياسي، اجتماعي و حتي اقتصادي را سبب گشته‌اند. اماکن مقدسي که قدرت تأثير گذاري در ابعاد مختلف زندگي، حتي به لحاظ روحي و رواني مي‌تواند داشته باشد. محلّ دفن يک شخصيت مذهبي ـ تاريخي، توسعة عمراني را به همراه داشته و با جذب زائر و جهانگرد، منبع درآمدزايي براي اهالي آن ديار به شمار مي‌رود. گر چه عُلقه‌هاي مذهبي و اعتقادات و باورهاي مردم، تعامل خاصي را ميان آ‌ن‌ها و جايگاه‌هاي مقدس اسلامي رقم زده و دلبستگي‌هاي موجود را بيش از پيش نمايان‌تر مي‌سازد. (يوسفي جولندان، 1387).

از بارزترين نمودهاي پرستش که در دين مبين اسلام بدان تأکيد شده، سفر حج است. حج، آميزه‌اي از کنش‌هاي فيزيکي انسان‌ها در جغرافياي کعبه است که به قصد قربت به پروردگار جهانيان انجام مي‌گيرد (رهبري، 1380)

مناسک حج

به باور برخي از دانشمندان، همة اعمالي که از تجربة ديني مايه گرفته‌اند يا با تجربة ديني تبيين مي‌شوند، در حکم بيانِ عملي مناسک هستند؛ به معنا و تعبير ديگر، مناسک، عمل يا اَعمال پرستش انسان ديندار است (واخ، نقل در آزادگان، 1380، ص26).

تاريخ مناسک ديني نشان دهندة تأثيرات متقابل و مستمر ميان اِجبار سنت از يک طرف و کششِ دائم براي آزادي فرد، ايجاد انگيزه‌هاي تازه و بروز فعاليت خلاّقِ انسانِ ديندار از طرف ديگر است که در سير تکاملي الگوهاي فکري بشري، ملاحظه مي‌کنيم (واخ، نقل در آزادگان، 1380، ص27).

از سويي، «دورکيم» باور دارد: همين مناسک است که احساسات مذهبي را ايجاد، تقويت و تجديد مي‌کند. حس وابستگي به يک قدرت خارجيِ روحاني و اخلاقي را ـ که در واقع همان جامعه است ـ تشديد مي‌نمايد. همين مناسک و ماهيت جمعيِ چنين گردهمايي‌هاست که اين همه شور و شوق بر مي‌انگيزد و شرکت کنندگان را به اهميت گروه و جامعه در قالب آيين‌هاي مذهبي آگاه مي‌سازد. بدين‌سان مناسک، همبستگي و انسجام اجتماعي را ايجاد و حفظ مي‌کند (رهبري، ص155، 1380).

«ردکليف براون» معتقد است مناسک داراي کارکرد اجتماعي ويژه‌اي است که ضمن حفظ احساساتي‌که مبناي ساختمان را تشکيل مي‌دهد، آن را از نسلي به نسل ديگر منتقل مي‌کند (رهبري، ص155، 1380).

به عقيدة «گيرتس»، مناسک همان ساز وکاري است که منجر به ايمان مي‌شود. ايمان مذهبي در جريان مناسک مذهبي ايجاد مي‌شود. دينِ زنده با ماهيتي که دارد، بايد رابطة اجتماعي را خلق و از آن نگهداري کند. (رهبري، ص156، 1380).

بنابراين، به طور کلي مي‌توان گفت: حج مهم‌ترين مناسک ديني در آيين مقدس اسلام است که سالانه ميليون‌ها نفر از مسلمانان سراسر جهان را در اجتماعي بزرگ گرد هم مي‌آورد. پرداختن به کارکردهاي اين مهم، مي‌تواند ما را در شناخت کامل اين پديدة چند وجهي ياري رساند.

کارکردهاي حج

نويسندگان و پژوهشگران بسياري در تلاش بوده‌‌اند تا کارکردهاي مهم حج را از ديدگاه‌هاي گوناگون بنمايانند. در اين بخش، بيشتر به‌کارکردهايي اشاره شده‌که درآثار محققان تبلور يافته‌است. گفتني است، اين کارکردها، جامع و مانع نيستند و به دليل فزوني و تنوع چشم‌اندازها و بينش‌هاي افراد مختلف، اين کارکردها نيز مي‌توانند متفاوت باشند.

\* مبلّغي (1388) 1 از جمله پژوهشگراني است که به تبيين کارکردهاي حج پرداخته است.

کارکردهاي حج از ديدگاه وي عبارت‌‌اند از:

1. حج و جهان شمولي

حج، در قرآن کريم، باکلمة «ناس» و مردم مشخص شده است. بنابراين، چون مخاطب آن، عامة مردم بوده، همة افراد بشر را در بر مي‌گيرد و بنابراين، برنامة حج، برنامه‌اي فراگير است. مبلّغي (1388) ضمن تشريح زواياي مختلف برنامة حج، آن را فرا زماني و فرا مکاني مي‌خواند. به عقيدة وي، فرا زماني بودن حج، به معناي عدم اختصاص آن به يک نسل است و هر نسلي از بشر که پا به عرصة وجود گذاشته و يا خواهد گذاشت، با حج و فرصت حج روبه‌رو است. بنابراين، حج فرا زماني است؛ يعني در بارة همة نسل‌ها مصداق دارد و حتي پيش از حضرت ابراهيم(علیه السلام) حج وجود داشته و از ابتداي خلقت ـ که انسان آفريده شده ـ اين خانه براي مردم قرار داده شده است.

حج براي تمام جهان انسانيت است. همة انسان‌ها در همة عرصه‌ها و همة انسان‌ها در همة مکان‌ها با فرصت بزرگي به نام حج روبه‌رو هستند و ضرورت داردکه اين برنامه را احيا کنند و در قالب آن خويشتن را حاضر و تعريف کنند و زندگي اقتصادي، سياسي و اجتماعي خويش را در قالب اين برنامة عظيم بازسازي نمايند.

مبلغي مي‌افزايد: حج فرا مکاني است؛ يعني اختصاص به منطقه، مکان و يا جغرافياي خاصي ندارد. همة انسان‌ها در هر جاي اين کرة خاکي که هستند، بايد ارتباط معنوي خود را با حج و خانة خدا تعريف کنند و استحکام ببخشند، از فيض معنوي و حتي برنامه‌ريزي‌ها و منافع اقتصادي، سياسيِ اين سفر منتفع شوند و اين، نشان دهندة فرا مکاني بودن آن است. جهان شمولي حج را بايد به اين دو معنا؛ يعني فرا زماني و فرا مکاني گرفت؛ يعني حج براي تمام جهان انسانيت است. همة انسان‌ها در همة عرصه‌ها و همة انسان‌ها در همة مکان‌ها با فرصت بزرگي به نام حج روبه‌رو هستند و ضرورت داردکه اين برنامه را احيا کنند و در قالب آن خويشتن را حاضر و تعريف کنند و زندگي اقتصادي، سياسي و اجتماعي خويش را در قالب اين برنامة عظيم بازسازي نمايند.

2. حج و صبغة شعائر الهي

( إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلاَ جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللهَ شاكِرٌ عَلِيمٌ )

«صفا و مروه، از شعاير خداست (که يادآور اوست). پس هرکه خانه (خدا) را حج کند يا عمره گزارد، بر او گناهي نيست که ميان آن دو سعي به جا آورد و هرکه افزون بر فريضه، کار نيکي کند، خداوند حق شناس و داناست.»

بنابراين، کارکرد ديگر حج اين است که جنبة شعائر الهي دارد و اين جنبه، دم به دم، انديشة خدايي داشتن را به جامعه تزريق مي‌کند. توجه به کرامت‌ها و عنايت‌هاي خداوند و مغفرت و بخشش الهي و به تعبير ديگر، لمس کردن خدا در حج اتفاق مي‌افتد.

3. حج و گذار از ماديت به معنويت

کارکرد ديگر حج اين است که به صورت نمادين و رمزگونه، حيات بشري را در ارتباط با وظايف ديني شکل و شمايل مي‌دهد و به صورت عيني و عملي، انسان را از دنياي ماده به دنياي معنويت منتقل مي‌کند. اين غير از جنبة شعائري است؛ جنبة شعائري اين است که خود به خود برانسان تأثير بگذارد، اما درکارکرد دوم، بحث در مورد قرار‌دادها و برنامه‌هاي حج به صورت جزئي‌تر است؛ هرکدام از برنامه‌هاي حج، به صورت رمزگونه و نمادين شکل گرفته‌اند و اين نماد و رمز، امکان انتقال سريع و پرشتاب انسان از فضاهاي مادي به فضاهاي معنوي و گره‌زدن اين فضاها به هم را ايفا مي‌کند.

4. حج ، داراي جنبة متافيزيکي

در حج، فرصت‌هاي متافيزيکيِ ويژه قرار داده شده است؛ به اين معناکه از فرصت‌هاي عادي و معمولي فراتر مي‌باشد. نمونه‌اي از مراسم حج، ماه رمضان است. ماه رمضان يک فرصت متافيزيکي است؛ به اين معنا که انسان‌ها فراتر از يک روند عادي به عبادت مي‌پردازند.

از نمونه‌هاي اين جنبه از مناسک در زندگي، مي‌توان به آخرين ساختة سينمايي «جيمزکامرون»2 با نام «آواتار»3 اشاره کرد که در سال 2010 جايزة بهترين فيلم و کارگرداني را از «گلدن گلاب»4 براي وي به ارمغان آورد. در سراسر اين فيلم مي‌توان اعتقاد به نيروي متافيزيکي که ريشه‌هاي آن در زندگي بشر نمود يافته است، اشاره کرد. ارتباط‌هاي معنوي‌که در اين فيلم با خالق متافيزيکي بشر برقرار مي‌شود، به گونه‌اي يک مناسک مذهبي را به تصوير مي‌کشد که همة افراد يک سرزمين دور هم گِرد آمده‌اند تا براي شفاي بيماري و نيز براي رهايي سرزمين خويش از دست بيگانگان دعا نمايند.

5. صبغة سياسي در حج

حج داراي کارکردي است که فرد سياسي و غير سياسي را در يک گروه قرار مي‌دهد. اگر به درستي عمل شود و قدرتمند و حاکم در کنار مردم عادي و شهروندان ديگر در کنار هم و در يک صف قرار گيرند، حج داراي اين توانايي هست که به همه صبغة معنوي بدهد (و اين صبغه، همان بندگي است) و بندگي را خاستگاه تزريق سياست به جامعه قرار دهد.

از جنبه‌هاي سياسي ديگرِ حج آن است که وقتي برگِرد خانه مي‌گرديم و بندگي او را تنها و به طور انحصار در حج تمرين و تجربه و تکرار مي‌کنيم و کلمة «وحده» و «لبيک» در آنجا بيشترين و تنهاترين ادبيات را شکل مي‌دهد، طبيعي است که بايد با دشمنان و کساني‌که آن راه را نمي‌پسندند و موانعي بر سر اين راه هستند با آن‌ها هم از سر ستيز احياناً و مقاومت در برابرشان برخاست.

\* از ديگر پژوهشگراني که به کارکردهاي اجتماعي و فرهنگي حج اشاره کرده‌اند، مي‌توان از حسيني (1386) 5 نام برد. کارکردهاي حج از ديدگاه وي عبارت‌اند از:

1. آمرزش گناهان

آمرزش همة گناهان، از مهم‌ترين دستاوردهاي حجّ کامل است. خداوند با تأکيد بر اين مسأله، مردمان را براي انجام آيين‌هاي حج ترغيب و تشويق مي‌کند. در آية 203 سورة بقره، با به کارگيري «لا» نفي جنس، انجام کامل حج را علّت آمرزش گناهان حاجي (فردِ به حج رونده) برمي‌شمارد و مي‌فرمايد: ( وَ اذْكُرُوا اللهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقي وَ اتَّقُوا اللهَ ) در اين آيه نفي گناهان به چيزي جز انجام کامل مناسک حج و تقواي الهي مشروط نشده است. بنابراين، مقصود اين است‌که هرکس اعمال حج را کامل به جا آورد، آمرزيده مي‌شود و ديگر گناهي بر وي نيست تا در قيامت بازخواست شود؛ خواه دو روز در منا بماند و خواه سه روز. اين بدان معنا خواهد بود که شخص اگر در ايام تشريق از دنيا برود بي‌گناه از دنيا رفته است.

از امام صادق(علیه السلام) روايت شده است که حج‌گزار کامل، از حج خود باز مي‌گردد در حالي که گناهي بر او نيست.6 به هرحال از مهم‌ترين آثاري که مي‌توان براي حج کامل برشمرد، آمرزش گناهان حاجي و پاک شدن از آن‌ها است؛ به‌گونه‌اي‌که گويي گناهي را در عمر خويش مرتکب نشده است.

2. توشة آخرت

انسان براي سفر دور و دراز آخرت، نيازمند ره‌توشه است؛ ازآن‌جاکه حج‌گزار واقعي خود را از بارِ گناهان پيشين رهانيده و سبک‌بال گشته است، مي‌تواند از همان‌جا اعمال خير را جايگزين کند و ره‌توشة نيکو براي سفر آخرت خويش بردارد. هر يک از اعمال، افزون بر اين که او را از گناهان پيشين مي‌رهاند، خير و برکتي است که همراه وي مي‌شود تا او را در بقية راه ياري رساند. خداوند در آيه 197 سورة بقره، هر آيين از آيين‌هاي حج را «خير» شمرده و از مردمان مي‌خواهد که آن را زادِ راه و توشة رستاخيز خويش کنند. در تحليل قرآني، هر يک از اين اعمال و آيين‌ها به معناي حفظ حريم و پيش گرفتن تقواي الهي است. از اين رو، به عنوان مهم‌ترين ره‌توشه مورد تأکيد و ترغيب قرار مي‌گيرد؛ ره‌توشه‌اي معنوي که همواره با آدمي خواهد ماند و همانند ره‌توشه‌هاي مادي، آدمي را گرفتار نمي‌کند و باري سنگين بر دوش او بشمار نمي‌رود.7

3. رضايت و خشنودي خدا

آدمي همواره مي‌کوشد تا رضايت خدا را به دست آورد؛ خدايي که قدرت کامل و مدير و مدبّر هستي است و هيچ چيز از دايرة قدرت و حکومت او بيرون نيست. شناخت راه‌هاي خشنودي خداوند همواره از دغدغه‌هاي بشر بوده؛ زيرا مي‌دانسته که قدرتي فراتر از طبيعت وجود دارد که جهان را تدبير مي‌کند و موجبات (به عنوان فاعل و منشأ) بلاياي طبيعي و مصيبت‌هاي بسياري است که بر آدمي و طبيعت جاري مي‌شود. قرباني کردن براي خدايان و ربّ الانواع از نمونه‌هاي رضايت‌جويي بشر است. قرآن بيان مي‌کند که يکي از بهترين ساز و کارها براي جلب رضايت خدا، انجام آيين‌هاي حج است. کسي که در جست و جوي فضل و رحمت فزون‌تري از خداوند است و مي‌خواهد به خشنودي خداوند دست يابد، مي‌بايست حجّ کامل و واقعي را به‌جا آورد.8

4. تقويت دين

از نقش‌هايي که قرآن براي حج واقعي و کامل بر مي‌‌شمارد، تقويت دين است. خداوند کعبه و خانة خدا را مرکزي قرار داده است تا تودة مردم بدان‌جا آمده و با ارتباط مستقيم با خدا باورهاي ديني خود را تقويت کنند. جاذبه‌هاي معنوي اين مکان به‌گونه‌اي است که نه تنها مؤمنان و مسلمانان، بلکه هر انساني را به خود جذب مي‌کند؛ از اين روست که در آية 97 سورة مائده به جاي به کارگيري واژگاني چون مؤمن و يا مسلمانان، کعبه را مرکزي براي تودة مردم از مؤمن و غير مؤمن ـ البته کساني که کافر و مشرک نيستند بلکه کساني‌که هنوز راهي را بر نگزيده‌اند ـ دانسته است که مي‌توانند با حضور در آن‌جا خود را به کمال برسانند.

در آية 125سورة بقره نيز تأکيد بر واژة «ناس» به معناي تودة مردم شده است.

حضور مردم پيرامون کعبه و اجراي مناسک و آيين‌هاي حج، باورهاي مردم را به دين و خدا تقويت مي‌کند و آنان را براي ادامه راه پيامبران استوار و دلگرم مي‌سازد. از اين رو است که امام صادق(علیه السلام) در تفسير آيه مي‌فرمايد: «خداوند حج را موجب تقويت دين مردم قرار داده است.»9

اين کارکرد و نقش، افزون بر نقش عبادي، بيانگر کارکرد اجتماعي حج نيز مي‌باشد؛ زيرا تقويت دينِ مردم به معناي افزايش همبستگي اعتقادي و هدفي مردم است وکساني‌که به حج مي‌روند، حضورشان در اين ديار موجب مي‌شود که روابط عاطفي و عقلي در آنان افزايش يابد و در راستاي امت‌سازي حرکت کنند. هماهنگي در قصد و برنامه و اجرا و روش، باعث مي‌شود تا ناخواسته نوعي وحدت اجتماعي در ميان آنان تقويت شود و يگانگي در هدف و روش و عمل را در خود به‌وجود آورند.

5. لغو امتيازهاي گروهي، طايفه‌اي و...

حج از نقش‌هايي که دارد، آن است که مي‌توان امتيازات گروهي، طايفه‌اي و مانند آن را لغو سازد. کاربرد واژة «ناس» (تودة مردم) و اين‌که کسي را بر کسي فضيلتي نيست و همگان از مکي‌ها و ديگران در بهره‌گيري از خانه‌ها و امکانات مکه مساوي هستند و ميان شهري و روستايي و آشنا و بيگانه و بياباني و صاحبان مقام و منصب اجتماعيِ شهري تفاوتي نيست، بدان معنا است که در حج هرگونه امتيازات لغو مي‌شود تا زمينه براي همبستگي اجتماعي و سياسي افزايش يابد.

عدم تفاوت‌ها و برداشتن امتيازات، حتي براي مقطعي کوتاه از زمان، به معناي برابري انساني است و اين مسأله موجب مي‌شود تا انديشة برابري انساني و عدم تفاوت‌هاي برخاسته از مال و مکنت و منصب در ميان مردم به عنوان يک اصل، جايگزين انديشة تفاوت‌هاي نژادي و يا برتري بر پاية اعتباريات شود. اين‌گونه است که شاه و گدا و امير و رعيت، برابري خود را با ديگري نشان مي‌دهد تا تنها معيار برتري، نه در دنيا بلکه آخرت، تقوا قرار گيرد؛ زيرا تقوا امري نيست که بتوان بر پاية آن خود را بر ديگري برتري داد و مدعي شد که چون من از نظر تقوا برتر از ديگري هستم، پس بر او مقدم مي‌باشم؛ چون اين تفکر خود ضد تقوا است و اين‌گونه است که هيچ کس در کنار ديگري احساس برتري نمي‌کند و همة اعتبارات و امتيازات ظاهري از ميان مي‌رود.

آيات 125 سورة بقره و نيز 199 همان سوره و آيات: 25، 27 و 28 سورة حج مي‌کوشد تا هرگونه امتيازي را در حج از ميان بردارد و زمينة اتحاد و يگانگي بشري را فراهم آورد.

6. منافع متنوع اقتصادي، فرهنگي و علمي

از آثار حج، افزايش تعاملات اقتصادي و بهره‌وري در اين حوزه است. بي‌گمان درآمد اقتصادي از راه گردشگري و جابه‌جايي انساني، به همراه زاد و توشه و کالا، موجب شکوفايي و بهره‌وري بيش‌تر مي‌شود.

از آن‌جاکه انسان‌ها از مکان‌ها و سرزمين‌هاي مختلف با تنوّع تمدّني و آب و هوايي و رشد و توسعة اقتصادي به سرزمين مکه وارد مي‌شوند، افزون بر تبادل اطلاعات فرهنگي و صنعتي و مهندسي و کشاورزي، تبادلات کالا و دانش نيز صورت مي‌گيرد که براي همگان داراي بهره و فايده است.

درگذشته، بر اين باور بوده‌اند که منافع اقتصادي بيش‌تر به اهل مکه مي‌رسد تا به ديگر کساني که از راه‌هاي دور به اين سرزمين مي‌آيند ولي با توجه به کارکردهاي گردشگري و تأثيرات آن در حوزه‌هاي فرهنگي، اجتماعي، علمي، صنعتي و اقتصادي مي‌توان به اين مسأله يقين کرد که عنصر گردشگري در حج، منافع مادي و معنوي زيادي براي همگان (توده مردم) خواهد داشت. از اين رو، هرکس در هر مقام و علم و کاري باشد، به‌گونه‌اي، از منافع حج در اين دنيا بهره‌مند خواهد شد.

اين کارکرد را مي‌توان کارکردي فراگير دانست که همة حوزه‌ها را در بر مي‌گيرد و چيزي را فروگذار نمي‌کند. در آيات مختلف قرآني، به مسألة دستگيري تنگدستان10 و منافع بسياري که براي مردمان است11 و نيز رشد و رونق کسب و کار12 و افزايش تجارت13 و تقويت پاية فرهنگ جامعه پذيري و قوام جوامع و همبستگي اجتماعي14 و برخورداري از برکات و منافع کوتاه و بلند مدت15 و رهايي از تحريم‌هاي دشمنان با افزايش تبادل اطلاعات علمي و اقتصادي و توليد علم16 و تنظيم امور اساسي جامعه، حتي در حوزة فردي و شخصي17 و مانند آن اشاره شده است.

7. افزايش تعاون

يکي ديگر از کارکردهاي اجتماعي حج را مي‌توان مسألة تعاون و همکاري‌هاي مختلف در حوزه‌هاي متعددِ زندگي برشمرد. حج به‌گونه‌اي تنظيم شده و آيين‌هاي آن داراي اموري است که مسألة تعاون و همکاري را تقويت مي‌کند و موجب اجراي کارهاي شايسته و احسان و نيکوکاري مي‌شود.

بخشش و قرباني و تقسيم آن در ميان مردم؛ به ويژه تنگدستان، به معناي دستگيري و تعاون است. وقتي در مهم‌ترين عمل حج، مؤمن موظف مي‌شود تا حيواني سالم و کامل را ذبح کند و گوشت آن را به بينوايان دهد؛ اين انديشه در وي تقويت مي‌شود که تنها نبايد در مقطع کوتاهي و براي رهايي از گرسنگي به او کمک کرد، بايد کاري کرد که از فقر و فاقه درآيد. اين‌گونه است که فکر تعاون و همکاري اجتماعي براي از ميان بردن فقر در انسان تقويت مي‌شود. انديشه براي بينوايان در کوتاه مدت (سير کردن شکم) موجب مي‌شود تا در انديشة رهايي او از فقر برآيد. اين‌گونه است که تعاون و همبستگي اجتماعي در اعمال خير و نيکوکاري در ميان مردمان افزايش مي‌يابد.18

\* پوريا (1387) 19 نيز در زمرة پژوهشگراني است که براي حج کارکردهايي منظور کرده است. کارکردهاي حج از ديدگاه وي عبارت‌اند از:

1. ذکر و ياد خدا

آموزه‌هاي ديني به‌گونه‌اي طراحي گرديده و سامان يافته است که مردم را به سوي خدا توجه دهد و در مسير کمال و تقرّب بيندازد. براين اساس، مي‌توان گفت که همة آموزه‌‌هاي وحياني در يک نظر کلّي و جامع، آموزه‌هايي هستند که موجبات ذکر الله و يادکردِ وي را در دل‌ها فراهم مي‌آورند و از غفلت وفراموشيِ انسان باز مي‌دارند. با اين همه، به سبب تنوعِ کارکرد و آثار هر يک از آموزه‌هاي وحياني مي‌‌توان آن‌ها را درجه‌بندي کرد و هر يک را در سطح خاصي قرار داد. برخي از آن‌ها در اين امر از کارکردي قوي‌تر و تقرّب‌زايي بيشتري برخوردار هستند و برخي ديگر از توجه کمتري نسبت به ذکر الله بهره‌مند مي‌باشند. در ميان آموزه‌هاي وحياني و اعمال و مناسک ديني، حج همانند قرآن و نماز از مقام ذکر اللّهي بيشتري برخوردار است و آدمي را به شکل مستقيم با خداوند و ياد کرد او ارتباط مي‌دهد. از اين روست که از آن با تعبير «ذکر الله» ياد مي‌شود؛ چنان‌که از قرآن و نماز نيز با عنوان ذکر الله ياد مي‌شود. به سخن ديگر، در کنار قرآن و نماز، حج را نيز ذکر الله گفته‌اند و شائبة امر ديگري در آن نمي‌رود. اگر امور ديگر ديني و آموزه‌هاي وحياني؛ مانند انفاق و احسان و اموري از اين دست، مي‌تواند با توجه به ديگري (غير خدا) انجام پذيرد، حج و قرآن و نماز نمي‌تواند از ذکر الله فارغ باشد و امري است که ذکر الله و يادکرد خداوند در ماهيت آن‌ها ديده شده است. براين اساس است که خداوند از حج به عنوان «ذکر الله» ياد مي‌کند و حضور مردمان را در اين اعمال به معناي حضور در مراسم و آييني مي‌شمارد که عين ياد کرد خداوند است.

2. قيام همگاني

يکي از اهداف و انگيزه‌هاي فرستادنِ رسولان و کتاب‌هاي آسماني، فراهم آوردنِ موقعيت براي قيام عمومي و نهضت فراگير و جهانيِ تودة مردم است. خداوند در آية 25 سورة حديد، بيان مي‌دارد که هدف از فرستادن کتاب‌‌هاي آسماني و پيامبران آن است که مردم را با حقوق طبيعي و قانوني خويش آشنا سازد و آنان در يک فرآيند به جايگاه و مقامي دست يابند که بتوانند خود به شکل نهضت عمومي و جنبشي فراگير، حقوق خويش را مطالبه کنند. روشنگري و آشناسازي افکار عمومي با حقوق، وظايف و تکاليف خود و ديگران، موجب مي‌شود مطالبات مردمي افزايش يابد و آن‌ها خواهان دست‌يابي به اهداف و اموري شوند که پيش از آن يا ناشناخته بوده و يا آن حقوق را به عنوان حقوق خويش نمي‌شناختند. با آشناييِ تودة مردم با حقوق خويش، درجة مطالبات افزايش مي‌يابد.

به سخن ديگر، روشنگري موجب افزايش آگاهي تودة مردم نسبت به حقوق خويش مي‌شود که همين آگاهي و آشنايي با حقوق، موجب افزايش مطالبات مردمي و جنبش فراگير توده‌‌اي مي‌شود تا حق خويش را استيفا کنند.

اين‌گونه است که جنبش‌هاي فراگير توده‌اي راه مي‌افتد. اين مطلب در آية 25 سورة حديد، اين‌گونه بيان مي‌شود: ( لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ).

قيام تودة مردم و جنبش‌فراگير توده‌اي براي دست‌يابي به قسط؛ يعني عدالت مشهود، موجب مي‌‌شود برخي از کساني‌که تاکنون از ناآگاهي مردم سوء استفاده کرده‌اند، در مقابل دين و روشنگري‌هاي پيامبران قرار گيرند. از اين رو، يکي از مهم‌ترين کساني که در طول تاريخ بشري در مقابل آموزه‌هاي وحياني و پيامبران قرار گرفته‌اند، همان ملأ، اشراف، مترفان و صاحبان زر و زور و تزوير بوده‌اند. آنان مي‌کوشند تا با دين‌سازي، در کنار حقايق وحياني، حقوق مردم را به کمترين سطح تنزل دهند و آنان را به سوي محدوديت‌هاي حقوقي و مطالباتي بکشانند. اين‌گونه است‌که زر و زور و تزوير همواره در کنار هم بوده‌اند تا پايه‌هاي يک‌ديگر را تقويت کنند و از مطالبات مردم بکاهند و يا نابود کنند و آنان را در کمترين و يا بدترين موقعيت حقوقي قرار دهند.

در قرآن آمده است‌که برخي از اشراف و صاحبان زر و زور مي‌کوشيدند مانع از روشنگري پيامبران شوند و سعي داشتند به مردمان و طبقات پست و پايين جامعه اجازه ندهند نسبت به حقوق انسانيِ خويش آگاه شوند و حقوق بشري خويش را از اشراف مطالبه کنند.

خداوند در آية 27 سورة هود، از برخي اشراف و صاحبان زر و زور نقل مي‌کند که علت مخالفت آنان همين آگاهي بخشي و روشنگري بوده است که افکار عمومي توده را به شکل ديگري عليه ايشان مي‌شورانيد و حقوق ايشان را يادآور مي‌شد و آنان را به قيام و جنبش عمومي در برابر ايشان مي‌‌کشاند: ( فَقالَ الْمَلأَُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ ما نَراكَ إِلاَّ بَشَراً مِثْلَنا وَ ما نَراكَ اتَّبَعَكَ إِلاَّ الَّذِينَ هُمْ أَراذِلُنا بادِيَ الرَّأْيِ وَ ما نَري لَكُمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كاذِبِينَ ).

به هر حال، از آيات و آموزه‌هاي قرآني و روايات، به دست مي‌آيد که از مهم‌ترين اهداف و فلسفة وجودي دين و کتب آسماني و فرستادن پيامبران آن بوده است که مردمان را با حقوق خويش آشنا سازند و نسبت به هستي و جهان و نقش پروردگاري خداوند و خلافت عمومي بشر آگاهي دهند و به مسير تعالي و کمال بيندازند و قيد و بندهاي اسارت درون و بيرون يعني صاحبان زر و زور و تزوير را از گردن و عقل و تن و جانشان بزدايند.20

3. اجتماع عظيم امت اسلامي

از نظر قرآن، يکي از کارکردهاي اصلي؛ يعني فلسفة وجودي و وجوبي آيين و مناسک حج آن است که بستري براي قيام توده‌ها فراهم آورد تا آنان بتوانند با حضور در مکه و اجتماع عظيم و بزرگ آن، به حقوق خويش آگاه شوند و در نهايت بتوانند با يافتن روحيه و انگيزة مضاعف از راه حضور در اجتماعات بزرگ آن، خود را براي مبارزه و جنبش توده‌اي آماده سازند.

از اين‌روست که خداوند در آية 3 سورة توبه، موسم حج را فرصتي مناسب براي اعلان مواضع بر شمرده که مردمان سراسر جهان با حضور در اين موسم علمي و عملي، مي‌توانند با حقوق و تکاليف راستين خويش آشنا شوند و زمينة قيام و جنبش عمومي و توده‌اي را عليه هرگونه ظلم و ستم و تجاوزگري فراهم آورند و خود براي دست‌يابي به قسط و عدالتِ مشهود قيام کنند.

خداوند متعال در آية 97 سوره حج، دربارة فلسفة وجودي خانة خدا و فلسفة وجوبي حج و برپايي اين کنگره و همايش عظيم عمومي مي‌فرمايد: ( جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرامَ قِياماً لِلنَّاسِ وَ الشَّهْرَ الْحَرامَ وَ الْهَدْيَ وَ الْقَلائِدَ ذلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللهَ يَعْلَمُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الأَْرْضِ وَ أَنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَلِيمٌ ).

همچنين در آية 26 و 27 سورة حج، در بيان دستور بازسازي خانة خدا و نيز دعوت مردم براي حضور در اين مکان، مي‌فرمايد: ابراهيم(علیه السلام) مکلف بود مردمان را از سراسر جهان؛ از شهرها و رستاها و نيز دور و نزديک به اين مکان فرا بخواند و آنان با حضور در اين مکان، مراسم و آييني را انجام دهند که داراي وحدت رويه و حرکت و هدف است.

اين حضور توده‌اي، زمينه‌اي را فراهم مي‌آورد که مردمان در يک محيط و دوره‌اي آموزشي ـ علمي، با حقوق خويش آشنا شوند و به تبادل اطلاعات بپردازند و يک‌ديگر را براي تحوّل و تغيير فراگير کمک کنند تا بتوانند حقوق خويش را باز پس گيرند.

به همين خاطر است که خداوند در آية 97 سورة مائده، به‌جا آوردن و حضور توده‌هاي مردم در اين اجتماع را به عنوان عامل و سبب تقويت دين مي‌شمارد. به اين معنا که: اگر دين براي بيان حقوق و وظايف و آشنايي مردم با هستي و خلافت انساني و مانند آن وارد شده است تا مردم را به آگاهي بخشي وادار و به قيام و جنبش عمومي و توده‌وار تحریک نمايد، در حقيقت آشنايي با دين و اهداف و انگيزه‌هاي آن چيزي جز آماده‌سازي مردم براي جنبش‌هاي فراگير توده‌اي نيست. اين همان چيزي است که نخبگان جامعه و اشراف و سران زر و زور و تزوير را به خشم مي‌آورد.

همچنين، خداوند در آية 125 سوره بقره مي‌فرمايد: حضور توده‌هاي مردم در اجتماع فراگير حج، در حالي انجام مي‌پذيرد که هرگونه امتيازات گروهي و طايفه‌اي و مانند آنان، حذف و سلب شده است و همگان به عنوان انسان در اين اجتماع حضور مي‌يابند. در حقيقت آن چه ملاک حضور در حج است؛ «ناس» يعني مردم است. اين ناس و مردم؛ يعني حضور انسانيت، بي‌هيچ تفاوت اعتباري که برخي براي خود در نظر گرفته‌اند. اين گونه است که مردم با يکسان بودن انسان‌ها آگاه مي‌شوند و در مي‌‌يابند که هيچ تفاوتي ميان انسان با انسان ديگري جز به تقوا؛ يعني دوري از پلشتي‌‌ها و زشتي‌ها نيست. بنابراين، انسان در اين کارگاه در مي‌يابد که برخي به ظلم و جور و ستم براي خود امتيازاتي را وضع و جعل کرده‌‌و حقوق ايشان را ضايع و تباه نموده‌اند.

از سوي ديگر، تأکيد خداوند بر«ناس» در آياتي چون 97 و 199 سورة بقره و آية 97 سورة مائده نشان مي‌دهد که در حج، تنها بي‌امتيازيِ مردمان مهم است. براين اساس، خانة خدا، خانه‌اي براي مردم و توده‌هاي آن دانسته مي‌شود و اعمال حج، شيوة عملي براي قيام عمومي و توده‌اي است که در يک مسير ويک هدف واحد حرکت کنند و همچون سيل، هرگونه ظلم و بي‌عدالتي را از ميان ببرند و قسط و عدالت مشهود خويش را از ديگران مطالبه کنند.

4. تأثير بر افکار عمومي

حج افکار عمومي را متحوّل مي‌کند و مردمان را از توانايي‌هاي ذاتي و فرصت‌هاي برابر براي دست‌يابي به کمالات، آگاه مي‌سازد و در يک نمايش عمومي نشان مي‌دهد که چگونه دست‌هاي خالي و بي‌سلاح مي‌تواند هر چيزي را دگرگون سازد و حقوق ايشان را به آنان بازگرداند.

توده‌هاي مردم در حج و در کنار خانة مردم (که همان خانة خدا است) با لزوم همکاري و تعاون و همدلي آشنا مي‌‌شوند و مي‌يابند که چگونه از اموال دنيوي؛ مانند گوشت قرباني به يک‌ديگر کمک کنند و در تغذيه يک‌ديگر نقش داشته باشند.21

تکبير گوييِ همزمان و آموزش‌هاي دقيق آن، موجب مي‌شود که صدا و فرياد خويش را هم چون تظاهرات عمومي، يگانه و واحد سازند22 و با آبرساني23 به ديگران، نقش امداد‌رساني را ايفا کنند.

لزوم احترام به يک‌ديگر و امنيت بخشي به آن24 و اموري از اين دست، همه در راستاي آن است که مردم با شيوة مبارزه‌هاي عمومي و قيام‌هاي دست جمعي آشنا شوند و از آن براي دست يابي به مطالبات و قسط و عدالت سود برند.

\* از ديگر کارکردها و نقش‌هايي که مي‌توان براي حج تبيين کرد، موارد زير است:

1. نقش حج در سرماية اجتماعي

همان‌گونه که «کولودينسکي»25 و همکارانش (2003) اذعان مي‌کنند: سازمان‌ها و خدمات اجتماعي مذهبي تأثير شاياني بر شکل‌گيري سرماية اجتماعي دارند. امکان جامعه‌پذيري و مدنيت با فرايند داوطلبانگي افراد افزايش مي‌يابد. خانواده‌هاي دو ـ والديني بيش از خانواده‌هاي تک ـ والديني بيشتر احساس هم‌سازي با جامعه و مدنيت مي‌کنند. اين نتايج با مدارک مستحکمي دال بر کاهش سرماية اجتماعي در ايالات متحده سازگاري دارد؛ به اين معنا که با کاهش شکل‌گيري سرماية اجتماعي در سطح اجتماع، تمايلات مذهبي نيز به تبع کاهش مي‌يابد. در مقابل، افراد با درگيري در فعاليت‌هاي داوطلبانه مطلوبيت اجتماعي و مدني خويش را بهبود مي‌بخشد. از سويي، با مشاهدة شواهدي مبني بر کاهش عضويت در گروه‌هاي اجتماعي و فعاليت اجتماعي از اواخر دهة 1950 ميلادي، ارتباط منطقي ميان اين متغيّرها توسط «پوتنام»26 (2000 ـ 1993) و بسياري از پژوهشگران ديگر در حوزة مديريت شهري برقرار شد. نتايج بيانگر آن است که بسياري از گونه‌هاي سرماية اجتماعي؛ مانند شبکه‌ها و هنجارهاي اجتماعي‌که فعاليت جمعي را تسهيل مي‌نمايند نيز با کاهش هنجارهاي مذهبي تنزل يافته است. از سوي ديگر، «ووِلن بَک»27 (2002) با استفاده از داده‌هايي از يک پيمايش در خانوارهاي نروژي، به اين نتيجه رسيد که مشارکت در انجمن‌هاي داوطلب، به شکل‌گيري سرماية اجتماعي کمک مي‌کند. بنابراين، مي‌توان داوطلبانگي و شکل‌گيري سرماية اجتماعي را نيز از کارکردهاي مذهب، و به تبع آن از کارکردهاي حج به شمار آورد.

2. نماياندن جايگاه انسان و پي‌بردن به جايگاه رفيع خداوند

خداوند در سورة حج، آية 36 فرموده است: «و شتران فربه را (در مراسم حج) براي شما از شعائر الهي قرار داديم. در آن‌ها براي شما خير (و برکت) است. نام خدا را در حالي که (براي قرباني) به صف ايستاده‌‌ايد، بر آن‌ها ببريد و هنگامي که پهلوهايشان به زمين رسيد، از گوشت آن‌ها بخوريد و مستمندان قانع و نداران را نيز از آن اطعام کنيد. اين گونه ما آنها را مسخّرتان ساختيم تا شکر خدا را به‌جا آوريد.»

و همچنين در بخشي از آية 37 بار ديگر، به مسخّر کردن حيوانات و جانداران براي تکريم جايگاه انسان و نيز پي‌بردن به جايگاه عظيم و يکتايي خداوند، اشاره شده است.

3. توسعة شبکه‌ها، ارتباطات علمي و انتقال دانش و تجارب افراد

در بسياري از سفرهاي حج، حاجيان با گروه‌هاي علمي و مذهبيِ ساير کشورهاي جهان آشنا مي‌گردند و اين آشنايي در برخي موارد، پس از اتمام سفر حج نيز ادامه مي‌يابد. از سويي اين شبکه‌ها که داراي انواع مختلف علمي، مذهبي، اجتماعي، قومي و غيره است، باعث مي‌گردد تا افراد با بهره‌گيريِ تجارب ديگر حاجيان، به تکامل علمي و شخصيتي خويش کمک نمايند.

4. دگرديسي در شخصيت، رفتار و منِش افراد

بسياري از افرادي‌که به زيارت خانة خداوند مي‌روند، در بازگشت از سفر، بسياري از رفتارهاي ناپسند (احتمالي) و نيز عادات ناشايست خويش را به تدريج کنار مي‌گذارند. آنها دگرديسي عمده‌اي در رفتار خويش ايجاد مي‌کنند وبازگشت ازکعبه را نقطة آغاز و تولّدي دوباره براي خويش مي‌دانند؛ همان‌گونه که در آيات و احاديث زيادي نيز اشاره شده، گناهان افراد حاجي بخشيده مي‌شود و ميل به نيکوکاري و نيز دوام آن پس از بازگشت از حج در حاجيان، بسيار مشاهده شده است.

جمع بندي

کارکردهاي تبيين شده براي حج را مي‌توان به گونه‌اي که در جدول آمده است دسته‌بندي کرد؛ همان‌گونه که در اين جدول ديده مي‌شود، کارکردهايي که در متون موجود براي حج منظور شده‌اند، در شش بُعدِ فردي، اجتماعي، فرهنگي، سياسي، اجتماعي و اقتصادي تصوير گشته‌اند. پرداختن به هر يک از اين ابعاد نيازمند پژوهش مفصل‌تري است.

انواع کارکردهاي حج

فهرست منابع

پوريا، علي، 1387، حج؛ کنگره عظيم امت اسلام. خبرگزاري سحر، سه شنبه، 14 آبان 1387 دسترسي در http:// saharnews. net/ view. Php? Newsid= 2051

حسيني، کريم، 1386، کارکردهاي سياسي و اجتماعي حج، روزنامه کيهان، تاريخ 27/8/1386

رهبري، حسن 1380، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولايت. تهران: دبيرخانه کانون‌هاي فرهنگي هنري مساجد.

مبلغي، احمد. 1388. مباني و مفاهيم قرآني، ابعاد و جهات حج. خبرگزاري قرآني ايران، چهارشنبه 13 آبان 1388. شماره خبر: 486874

واخ، يوآخيم. جامعه شناسي دين. ترجمه جمشيد آزادگان. 1380 تهران. سمت.

يوسفي جولندان، منصور 1387 کارکرد مزارات و زيارتگاه‌ها. کتابخانة تخصصي حج، اعتقادات و پاسخ به شبهات، مجموعه مقالات هم‌انديشي زيارت ـ جلد دوم.

Putnam, r. 1993. Marking democracy work: cvic traditions in modern Italy. Princeton: Princeton university press.

Putnam, R.2000. Bowling Alone: The Collapse and Revival of American.

Community. New York: Simon and Schuster.

Wollenbaek, Dag and Per Selle. 2002 "Does Participation in Voluntary

Associations Contribute to Social Capital: The Impact of Intensity, Scope,

And Type.:" Nonprofit and Voluntaty Sevtor Quarterly. 31 (1): 32-61.

پی ‌ نوشت ‌ ها:

1. منابع استناد شده در اين بخش عيناً از وي نقل شده‌‌اند.

2 . james cameron

3 . Avatar

4 .Golden Globe

5. منابع استناد شده در اين بخش عيناً از وي نقل شده‌اند.

6. کافي، ج4، ص337، ح1

7. بقره : 197

8. مائده : 2

9. تفسير عياشي، ج1، ص346، حديث211

10. حج : 28

11. حج : 27 و 28

12. بقره : 197 و 198

13. بقره : 197 و 198؛ مائده : 2

14. مائده : 97

15 . حج : 27 و 28

16 . توبه : 28

17 . قصص : 27

18 . مائده : 2

19 . منابع استناد شده در اين بخش عيناً از وي نقل شده‌اند.

20. اعراف : 156

21. مائده : 2

22. حج : 28

23. توبه : 19

24. مائده : 2

25 . Kolodinsky

26 . putnam

27 . Wollenbaek